



صید

صید در لغت و به تبع در کلمات فقها به معنای شکار **حیوان وحشی** و نیز خود حیوان وحشی آمده است. مراد از شکار اعم از گرفتن، به دام افکندن و کشتن است.
^[۱] این منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۶۰، واژه «صید».
^[۲] فرهنگ بزرگ سخن، واژه «شکار».

فهرست مندرجات

- ۱ - کاربرد فقهی
- ۲ - صید و حرم
- ۳ - مراد از حیوان وحشی
- ۴ - مراد از صید
- ۵ - مصداق صید در پایی
- ۶ - صید و ثبوت کفار در حال احرام
 - ۶.۱ - کفار ه صید پرندگان
 - ۶.۲ - کفار ه صید غیر پرندگان
 - ۶.۳ - سایر احکام
 - ۶.۴ - محل استفاده کفار ه صید
 - ۶.۵ - مکان ذبح کفار ه در صورت حیوان بودن
- ۷ - صید و تملک
- ۸ - صید و سفر
 - ۸.۱ - حکم تکلیفی مسافرت برای شکار
- ۹ - صید و تنکبه
- ۱۰ - انواع صید به لحاظ تنکبه
- ۱۱ - شرایط حلیت
 - ۱۱.۱ - به لحاظ آلات شکار
 - ۱۱.۲ - شرایط شکار کننده
 - ۱۱.۲.۱ - مسلمان یا در حکم مسلمان بودن
 - ۱۱.۲.۲ - عاقل بودن
 - ۱۱.۲.۳ - ممیز بودن
 - ۱۱.۲.۴ - رها کردن سگ یا پر تلب کردن تیر به قصد شکار
 - ۱۱.۲.۵ - قصد نوع شکار را داشتن
 - ۱۱.۲.۶ - بردن نام خدا هنگام روانه کردن سگ یا پر تلب تیر
 - ۱۱.۲.۷ - ناپدید نشدن شکار در حال داشتن حیلت مستقر
 - ۱۱.۲.۸ - دست نیافتن به شکار در حال داشتن حیلت مستقر
- ۱۲ - پانویس
- ۱۳ - منبع

کاربرد فقهی

از احکام آن در بلب‌های حج، تجارت و صید و ذبحه سخن گفته‌اند.

صید و حرم

از جمله **محرمات** احرام شکار حیوان وحشی است؛ در حرم باشد یا بیرون از حرم؟

[۱۳] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۸۶.

چنان که شکار کردن در حرم حرام است؛ خواه **شکارچی** محرم باشد یا غیر محرم.

[۱۴] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۹۴.

با این تفاوت که خوردن **گوشت** شکار بر محرم مطلقاً حرام است؛ هر چند مجلی آن را در بیرون حرم شکار کرده و به درون آورده باشد؛ لیکن خوردن آن برای محل **جایز** است.

[۱۵] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۱۴.

در **حرمت** شکار تفاوتی میان انواع شکار کردن، همچون کشتن، به دام افکندن و گرفتن نیست؛ بلکه کمک کردن دیگری بر شکار با اشاره، گفتار و یا در **اختیار** گذاشتن **سلاح** نیز حرام است.

[۱۶] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۳۹.

اگر محرم در بیرون حرم حیوانی را شکار کند، بنابر قول مشهور، گوشت آن حتی بر محل نیز حرام خواهد بود.

[۱۷] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۴۱-۳۴۲.

[۱۸] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۸۸.

مراد از حیوان وحشی

مراد از حیوان وحشی، وحشی بالاصاله است. بنابراین، شامل وحشی‌ای که توسط **انسان** رام شده نیز می‌شود؛ لیکن شامل حیوانی که در اصل اهلی بوده و سپس وحشی شده نمی‌شود؛ لیکن در این‌که هر **حیوان وحشی** را؛ چه از **حلال** گوشت‌ها باشد یا از حرام گوشت‌ها در بر می‌گیرد یا اختصاص به حلال گوشت‌ها دارد و یا حلال گوشت‌ها به **اضافه** حرام گوشت‌هایی که در آن‌ها **کفاره** ثابت است، مانند شیر، **روپاه** و **خرگوش**، اختلاف است.

[۱۹] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۴۴-۳۴۹.

بنابر قول به تعمیم، کشتن حیوانی که انسان از آن بر خود می‌ترسد و قصد **تعرض** دارد، **جایز** می‌باشد.

[۲۰] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۴۶.

مراد از صید

مراد از صید، صید غیر دریایی است. بنابراین، شکار حیوان دریایی برای محرم جایز است.

مصادیق صید دریایی

صید دریایی صیدی است که زیست آن در **دریا** است.

[۲۱] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۵۰.

صید و ثبوت کفاره در حال احرام

شکار کردن **حیوان** وحشی غیر دریایی در حال **احرام** یا در حرم موجب ثبوت کفاره بر شکار کننده است. جانوری که شکار آن حرام و موجب ثبوت کفاره است یا از **پرنندگان** است و یا از غیر پرنندگان. در این مقاله به اختصار به کفاره صید اشاره می‌شود و تفصیل آن در عناوین مناسب می‌آید.

← کفاره صید پرنندگان

کفاره کشتن **شتر مرغ** یک **شتر**؛

[۲۲] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۵۹.

کفاره کشتن هر یک از **گنجشک**، **قُزِه** (چکاوک) و **صعوه** (پرنده‌ای کوچک شبیه **گنجشک**) به قول مشهور، یک **مَدّ** طعام؛

[۲۳] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۴۴-۲۴۵.

کفاره کشتن **مرغ سنگ خوار**، **کبک** و **دُرّاج** یک بره نر که از شیر گرفته شده است و می‌چرد؛

[۲۴] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۴۲-۲۴۳.

کفاره کشتن یک **ملخ**، به قولی یک دانه **خرما** و به قولی دیگر یک **کف طعام**

[۲۵] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۴۵.

و کفاره کشتن ملخ‌های زیاد یک **گوسفند** است. البته در صورتی که ناگزیر از کشتن ملخ باشد، کفاره ثابت نیست.

[۲۶] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۴۸.

به قول **مشهور**، کفاره کشتن **کیوتر** در غیر حرم برای محرم یک **گوسفند** و برای محل در حرم یک **درهم** است. چنانچه محرم در حرم **کیوتری** را بکشد **کفاره** آن یک **گوسفند** به اضافه یک **درهم** است.

[۲۷] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۲۸-۲۳۰.

[۲۸] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۳۴.

در کشتن زنبور اختلاف است که آیا کفاره دارد یا نه و بنا بر قول نخست، کفاره آن چه چیز و چه مقدار است. در سایر پرندگان اختلاف است که آیا کفاره کشتن آنها یک گوسفند است یا بهای آنها.

[۱۹۱] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۴۸-۲۵۰.

[۲۰۱] موسوی عاملی، محمد، مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۳۵۱.

[۲۱۱] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۶۴-۱۶۵.

← کفاره صید غیر پرندگان

کفاره شکار گاو وحشی و نیز بنا بر قول مشهور، الاغ وحشی (گورخر) یک گاو اهلی است.

[۲۲۱] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۰۵-۲۰۷.

کفاره صید هر یک از روباه، آهو و خرگوش یک گوسفند

[۲۳۱] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۸۰.

و کفاره کشتن جوجه تیغی، سوسمار و موش صحرائی به قول مشهور یک جَدی (بزغاله نر) است.

[۲۴۱] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۴۳-۲۴۴.

کفاره کشتن سایر حیواناتی که برای کشتن آنها کفاره خاصی ذکر نشده، بهای آن حیوان است.

[۲۵۱] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۸۵.

← سایر احکام

بنا بر قول مشهور، بر مُجلی که حیوانی را در حرم شکار کرده واجب است قیمت آن را بپردازد.

[۲۶۱] نراقی، احمد، مختلف الشیعة، ج ۴، ص ۱۲۸.

کفاره همان گونه که با شکار کردن صید ثابت می‌شود با خوردن آن نیز ثابت می‌گردد، هر چند کسی دیگر آن را شکار کرده باشد؛ لیکن در این که کفاره آن، کفاره شکار کردن است یا بهای آن، اختلاف است.

[۲۷۱] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۹۲.

هرگاه جمعی در حال احرام، با مشارکت یکدیگر حیوانی را شکار کنند، بر هر یک از آنان کفاره جداگانه واجب می‌شود.

[۲۸۱] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۰۰.

ثبوت کفاره برای محرم اختصاص به کشتن صید ندارد؛ بلکه در نگهداشتن آن توسط محرم و کشتن توسط دیگری نیز کفاره بر او واجب می‌شود.

[۲۹۱] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۰۲.

چنانچه محرم حیوانی را در حرم شکار کند، به قول مشهور آنچه که بر محرم در غیر حرم و بر مُجَل در حرم واجب می‌شود، بر او واجب می‌گردد. بنا بر این، اگر محرم در حرم کبوتری را بکشد، باید یک گوسفند که کفاره محرم در غیر حرم است و یک درهم که کفاره مُجَل در حرم است بدهد.

[۳۰۱] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۰۵.

چنانچه محرم بیش از یک بار شکار کند، در صورتی که از روی عمد نباشد، برای هر بار، کفاره بر او واجب می‌شود؛ اما اگر تکرار از روی عمد باشد، بنا بر نظر اکثر فقها، کفاره تکرار نمی‌شود و او از کسانی خواهد بود که خداوند خود از آنان انتقام می‌گیرد.

[۳۱۱] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۱۱-۲۱۳.

[۳۲۱] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۲۲.

← محل استفاده کفاره صید

کفاره صید، در راه خدا به مستحقان صدقه داده می‌شود؛ لیکن در صورتی که حیوان مملوک کسی باشد، اختلاف است که آیا کفاره آن را باید به مالک حیوان بدهد یا این که در راه خدا به مستحقان صدقه بدهد و قیمت آن را به مالکش بپردازد.

[۳۳۱] صمیری بحرانی، مفلح، غایة المرام، ج ۱، ص ۴۹۲-۴۹۳.

[۳۴۱] نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۴۰-۳۴۳.

در صورتی که کفاره، حیوان باشد، ابتدا به نیت کفاره نیت و سپس صدقه داده می‌شود.

[۳۵۱] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۱۷.

← مکان نیت کفاره در صورت حیوان بودن

چنانچه کفاره، حیوان باشد محل نیت یا نحر آن در صورتی که صید در احرام حج صورت گرفته باشد منی است؛ اما اگر در احرام عمره رخ داده باشد، اختلاف است که مکان آن منی است یا مگه.

[۳۶۱] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۲۰-۲۲۴.

از اسباب تملک **حیوان وحشی** شکار آن است

[۳۷] **عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعية، ج ۳، ص ۲۲۴.**

به شرط آنکه **ملکیت** آن برای دیگری محرز نباشد؛ هر چند به سبب وجود نشانه‌های آن، مانند بسته بودن طناب در گردن یا یکی از پاهای حیوان. بنابراین، با **علم** به وجود مالک در غیر پرنده، شکار کننده مالک نمی‌شود؛ بلکه در صورت شناختن مالک، باید آن را به وی برگرداند و اگر او را نشناسد، محکوم به حکم **لقطه** است، اگر گم شده باشد. در غیر این صورت حکم مجهول المالک را دارد

[۳۸] وسیلة النجاة، ص ۶۰۲.

[۳۹] **سبزواری، عبدالاعلی، مذهب الاحکام، ج ۲۳، ص ۳۸، ۴۰.**

و در **پرنده** اگر بال آن چیده شده باشد، محکوم به حکم غیر پرنده است؛ اما اگر چیده نشده باشد، شکار کننده با شکار مالک آن می‌شود، مگر آنکه برای آن مالکی شناخته شده وجود داشته باشد که باید به او برگردانده شود؛ لیکن در فرض ناشناخته بودن مالک، آیا همچون غیر پرنده، حکم **لقطه** یا مجهول المالک بر آن جریان می‌یابد یا نه، بلکه شکار کننده مالک آن می‌شود؟ اختلاف است. قول نخست به ظاهر کلمات فقهای که متعرض مسئله شده‌اند، نسبت داده شده است؛

[۴۰] **نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۲۲۶، ۲۳۲.**

لیکن برخی به قول دوم قائل شده‌اند.

[۴۱] **خوبی، ابو القاسم، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۲.**

[۴۲] **سیستانی، علی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۱.**

صید و سفر

مسافرت برای شکار یا به انگیزه سرگرمی و خوش گذرانی است یا به جهت تهیه **آنوقه خانواده** و یا برای **تجارت**.

← **حکم تکلیفی مسافرت برای شکار**

از لحاظ **حکم تکلیفی**، بدون **شک**، **سفر** شکاری با دو هدف آخر **جایز** است؛ لیکن در حرمت مسافرت با هدف نخست اختلاف است. اما از لحاظ **حکم وضعی**، بدون تردید، سفر با هدف نخست موجب قصر نماز و **افطار روزه** نمی‌شود؛ بلکه **نماز** در چنین سفری تمام است و روزه گرفته می‌شود؛ چنان که سفر با هدف دوم موجب قصر و افطار است؛ لیکن در مسافرت به انگیزه **تجارت** و کار اختلاف است که آیا موجب قصر نماز و افطار روزه می‌شود یا تنها موجب افطار روزه می‌گردد و نماز در آن تمام است.

[۴۳] **نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۲۶۲، ۲۶۷.**

[۴۴] **طباطبایی یزدی، محکظم، العروة الوثقی، ج ۳، ص ۴۳۹.**

[۴۵] **منتظری، حسینی، البدر الزاهر، ص ۲۸۷، ۲۹۵.**

صید و تذکیه

شکار حیوان وحشی (کشتن با آلات صید) در کنار **ذبح** و **نحر** از راه‌های **تذکیه** حیوان به شمار می‌رود. مراد از حیوان وحشی اعم از **حلال** گوشت و **حرام** گوشت و نیز وحشی اصلی و عارضی (عروض وحشی شدن پس از اهلی بودن) است.

انواع صید به لحاظ تذکیه

صید یا از حیوانات خشکی است و یا دریایی و هر یک از آن دو یا حلال گوشت است و یا **حرام** گوشت. نوع دوم، با نجس العین است یا پاک. بدون **شک**، حیوان وحشی حلال گوشت قابل تذکیه است؛ چنان که حیوان وحشی نجس العین، مانند **سگ** و **خوک** قابل تذکیه نیست. در تذکیه پذیر بودن حیوانات حرام گوشت اختلاف است.

شرایط حلیت

شرایط **حلیت** شکار یا به لحاظ ابزار و آلات شکار است و یا به لحاظ شکار کننده.

← **به لحاظ آلات شکار**

در تحقق تذکیه با شکار، ابزاری خاص لازم است. این ابزار یا از جنس **حیوان** است، مانند سگ شکاری و یا از نوع جماد، مانند **سلاح** گرم. در هر یک از این ابزار، شرایطی معتبر است که بدون آن‌ها تذکیه محقق نمی‌شود، از قبیل آموزش دیده بودن سگ برای شکار یا پرنده و نیز بودن سلاح. حلیت شکار با آلات صید، مشروط به آن است که **مرگ** شکار مستند به جراحت وارده با آن آلات باشد.

[۴۶] **عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۳۹۸.**

صید ملخی که توان **پرواز** دارد بازنده گرفتن آن به هر وسیله‌ای، صحیح است؛

[۴۷] **نجفی جواهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۷۵.**

چنان که صید ماهی با زنده گرفتن آن از آب با هر ابزاری صحیح می‌باشد.

[۲۸] نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۶۳.

حیوان وحشی‌ای که اهلی شده و نیز بچه حیوان وحشی که توان پرواز یا فرار ندارد، با شکار کردن حلال نمی‌شود؛ بلکه باید ذبح شود.

[۲۹] سبزواری، عبدالاعلی، مذهب الاحکام، ج ۲۳، ص ۲۸.

← شرایط شکار کننده

شرایط معتبر در شکار کننده برای حلیت شکار عبارت‌اند از:

← مسلمان یا در حکم مسلمان بودن

مراد از در حکم مسلمان بودن، کودکی است که پدر و مادر او یا یکی از آن دو مسلمان باشند. بنابراین، شکار کافر، حتی اهل کتاب بنابر قول مشهور حلال نیست.

[۵۰] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۲۸.

[۵۱] نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۲۶.

← عاقل بودن

بنابراین، شکار دیوانه حلال نخواهد بود.

[۵۲] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۲۹.

← ممیز بودن

بنابر این، شکار کونک غیر ممیز حلال نیست.

[۵۳] نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۲۹.

← رها کردن سگ یا پرتاب کردن تیر به قصد شکار

بنابراین، چنانچه سگ، خود در پی شکار برود، یا تیر به سمت هدفی پرتاب شود و بطور اتفاق به حیوانی اصابت کند و آن را بکشد، شکار حلال نخواهد بود.

[۵۴] نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۲۷.

← قصد نوع شکار را داشتن

بنابراین، اگر قصد شکار کننده خوک بوده و بطور اتفاقی به آهو اصابت کرده است، آهو حلال نخواهد بود.

[۵۵] عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة، ج ۲، ص ۳۹۸.

← بردن نام خدا هنگام روانه کردن سگ یا پرتاب تیر

بنابر این، اگر به عمد نام خدا را نبرد صید حلال نخواهد بود؛ اما اگر فراموش کند حلال است.

آیا زدن نام خدا هنگام روانه کردن سگ یا پرتاب کردن تیر است یا بردن نام خدا پیش از رسیدن یا اصابت به شکار نیز کفایت می‌کند؟ مسئله اختلافی است.

[۵۶] نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۳۳۰.

← ناپدید نشدن شکار در حال داشتن حیث مستقر

بنابراین، چنانچه حیوان با داشتن حیث مستقر، ناپدید گردد و شکارچی پس از آن، آن را کشته بیابد، حلال نخواهد بود، مگر آن‌که به سبب وجود قرابین و شواهد یقین پیدا کند که مرگ شکار به سبب آلت صید بوده است.

[۵۷] نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۳۷۳.

بنابراین، اگر شکار را زنده بیاید باید آن را زنج کند تا حلال شود. در غیر این صورت حلال نخواهد بود. [۵۸] عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۳۹۸.

پانویس

۱. ↑ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۶۰، واژه «صید».
۲. ↑ فرهنگ بزرگ سخن، واژه «شکار».
۳. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۸۶.
۴. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۹۴.
۵. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۱۴.
۶. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۳۹.
۷. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۴۱ ۳۴۲.
۸. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۸۸.
۹. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۴۴ ۳۴۹.
۱۰. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۴۶.
۱۱. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۵۰.
۱۲. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۵۹.
۱۳. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۴۴ ۲۴۵.
۱۴. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۴۲ ۲۴۳.
۱۵. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۴۵.
۱۶. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۴۸.
۱۷. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۲۸ ۲۳۰.
۱۸. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۳۴.
۱۹. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۴۸ ۲۵۰.
۲۰. ↑ موسوی عاملی، محمد، مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۳۵۱.
۲۱. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۶۴ ۱۶۵.
۲۲. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۰۵ ۲۰۷.
۲۳. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۸۰.
۲۴. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۲۴۳ ۲۴۴.
۲۵. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۸۵.
۲۶. ↑ نراقی، احمد، مختلف الشیعة، ج ۴، ص ۱۲۸.
۲۷. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۹۲.
۲۸. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۰۰.
۲۹. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۰۲.
۳۰. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۰۵.
۳۱. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۱۱ ۲۱۳.
۳۲. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۲۲.
۳۳. ↑ صمیری بحرانی، مفتح، غایة المرام، ج ۱، ص ۴۹۲ ۴۹۳.
۳۴. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۴۰ ۳۴۳.
۳۵. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۱۷.
۳۶. ↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۲۰ ۲۲۴.
۳۷. ↑ عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعية، ج ۳، ص ۲۲۴.
۳۸. ↑ وسیلة النجاة، ص ۶۰۲.
۳۹. ↑ سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الاحکام، ج ۲۳، ص ۳۸ ۴۰.
۴۰. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۲۲۶ ۲۳۲.
۴۱. ↑ خویی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۲.
۴۲. ↑ سیستانی، علی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۱.
۴۳. ↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۲۶۲ ۲۶۷.
۴۴. ↑ طباطبایی یزدی، محمدکاظم، العروة الوثقی، ج ۳، ص ۴۳۹.
۴۵. ↑ منتظری، حسینعلی، البدر الزاهر، ص ۲۸۷ ۲۹۵.
۴۶. ↑ عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۳۹۸.

۴۷. [↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۷۵.](#)
۴۸. [↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۶۳.](#)
۴۹. [↑ سبزواری، عبدالاعلی، مذهب الاحکام، ج ۲۳، ص ۲۸.](#)
۵۰. [↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۲۸.](#)
۵۱. [↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۲۶.](#)
۵۲. [↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۲۹.](#)
۵۳. [↑ نراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۲۹.](#)
۵۴. [↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۲۷.](#)
۵۵. [↑ عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة، ج ۲، ص ۳۹۸.](#)
۵۶. [↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۳۳۰.](#)
۵۷. [↑ نجفی جوهری، محسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۳۷.](#)
۵۸. [↑ عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة، ج ۲، ص ۳۹۸.](#)

منبع

[فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۵، ص ۱۱۷.](#)

رده‌های این صفحه: [صید و ذباجه](#) | [فقه](#)